

چالش‌های دیوان کیفری بین‌المللی در پیگیری پرونده رئیس‌جمهور سودان: از مخالفت اتحادیه آفریقا تا عدم همکاری کشورهای عضو اتحادیه

جواد صالحی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۳۰

چکیده

پس از عدم موفقیت شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا در تعلیق پرونده عمرالبشیر از سوی شورای امنیت، دیوان کیفری بین‌المللی دومین حکم جلب عمرالبشیر را صادر می‌کند. دیوان کیفری بین‌المللی به موجب این حکم از دولت‌های عضو اساسنامه رُم درخواست می‌کند که در دستگیری و تحویل عمرالبشیر با دیوان کیفری بین‌المللی همکاری کنند. اتحادیه آفریقا در این شرایط به تلافی شکست در متوقف ساختن حکم دستگیری عمرالبشیر تصمیم می‌گیرد؛ حداقل از دولت‌های عضو بخواهد که در دستگیری و تحویل عمرالبشیر با دیوان کیفری بین‌المللی همکاری نکنند. این وضعیت باعث می‌شود که عمرالبشیر بدون هراس از حکم دستگیری به کشورهای عضو اساسنامه از جمله؛ چاد، کنیا و ... مسافرت کند. از این رو موضع‌گیری دولت‌های میزبان بر اولویت حفظ صلح و ثبات سودان و همین‌طور الزام به تبعیت از دستورات اتحادیه آفریقا به لحاظ عضویت در آن اتحادیه، باعث شد تا دیوان کیفری بین‌المللی از تمام ظرفیت‌های موجود در اساسنامه برای مقابله با این وضعیت و اعمال صلاحیت خود در دستگیری عمرالبشیر استفاده کند و موضوع را به مجمع دولت‌های عضو دیوان و شورای امنیت سازمان ملل گزارش دهد.

واژگان کلیدی: دیوان کیفری بین‌المللی، شورای امنیت، اتحادیه آفریقا، عمرالبشیر.

۱. مقدمه

پس از اینکه شورای امنیت در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۵ وضعیت سودان را به دیوان کیفری بین-المللی ارجاع داد (صالحی، ۱۳۹۲: ۴۱)، از دادستان خواسته شد تا بر اساس ماده ۵۳ اساسنامه تحقیقات خود را آغاز کند. پس از انجام تحقیقات مقدماتی، دادستان در تاریخ ۱۴ جولای ۲۰۰۸ از شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی، صدور حکم جلب عمرالبشیر رئیس‌جمهور سودان را به اتهام نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی علیه گروه‌هایی از مردم در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ درخواست کرد. کیفرخواست عمرالبشیر در تاریخ ۴ مارس ۲۰۰۹ به اتهام عامل غیرمستقیم جنایات علیه بشریت و جرایم جنگی صادر شد.^۱ این اولین مرتبه‌ای بود که کیفرخواستی علیه رئیس‌جمهور در حال خدمت یک کشور، از سوی دیوان کیفری بین‌المللی صادر می‌شد. از این رو صدور این کیفرخواست با واکنش‌هایی از سوی اتحادیه آفریقا مواجه شد.

ادعا شده بود که صدور کیفرخواست علیه عمرالبشیر اقتدار ملی سودان را زیر سوال برده است (Maweni, 2011: 2). منتقدین این کیفرخواست اعتقاد داشتند که تعقیب عمرالبشیر، اعلان جنگی از سوی غرب علیه آفریقا است. چراکه کلیه پرونده‌های مطرح در دیوان کیفری بین‌المللی فقط بر منطقه آفریقا متمرکز شده است. رئیس اتحادیه آفریقا اعلام کرد: «به نظر می‌رسد که آفریقا آزمایشگاه آزمودن حقوق بین‌الملل جدید است».^۲ اگرچه برخی مدعی هستند علت مخالفت دول آفریقایی به عملکرد دیوان کیفری ناشی از عدم اعتماد آنها به کارکرد دیوان است (رمضانی قوام آبادی و بهمنی، ۱۳۸۶: ۸)، لیکن اتحادیه آفریقا در یک تحلیل منطقی ادعا می‌کرد که نسبت به صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در وضعیت دارفور دارای اولویت است. چراکه دیوان کیفری بین‌المللی برای تحقق عدالت در منطقه آفریقا نمی‌تواند به نحو شایسته‌ای به تعقیب عوامل جنایت پردازد. عملیات تعقیب اشخاص دخیل در جنایات، در دیوان کیفری بین‌المللی به صورت موردی و با کندی صورت می‌گیرد. جامعه جهانی این رویه را نمی‌پسندد. از این حیث دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌تواند کلیه افراد مسئول در وضعیت دارفور را تحت تعقیب قرار دهد. در این شرایط، چه بسا برخی از افرادی که حقیقتاً در جنایات نقش اصلی را ایفا کرده‌اند، ممکن است مشمول تعقیب و مجازات دیوان کیفری بین‌المللی قرار نگیرند. لذا ضروری است که در این

1. Prosecutor V. Al-Bashir, 4 Mar. 2009, para. 3.

2. BBC News, 27 Sept. 2008.

شرایط از ظرفیت‌های داخلی دستگاه قضایی سودان بهره‌برداری شود.

در این راستا شورای امنیت و صلح اتحادیه آفریقا در تاریخ ۲۱ جولای ۲۰۰۸ از شورای امنیت سازمان ملل درخواست کرد که تعقیب عمرالبشیر، به موجب ماده ۱۶ اساسنامه^۱ برای مدت ۱۲ ماه به تعویق بیفتد تا اینکه مقدمات بهره‌برداری از ظرفیت‌های قضایی سودان برای رفع تعقیب عمرالبشیر در سطح دیوان کیفری بین‌المللی فراهم شود (African Union, 21 July 2008, para. 24). شورای امنیت با استناد به آغاز تحقیقات در این پرونده به تشخیص دادستان از پاسخ به این درخواست امتناع کرد. اتحادیه آفریقا در این وضعیت با ابراز نگرانی از عدم همکاری شورای امنیت، موضع خود را در برابر کیفرخواست صادر شده خطاب به دولت‌های عضو اتحادیه اعلام کرد. اتحادیه آفریقا در این بیانیه از شورای امنیت درخواست کرد که در تصمیم خود بازنگری کند، وگرنه از بی‌توجهی شورای امنیت به تعلیق پرونده عمرالبشیر متأسف است.^۲

در این شرایط دیوان کیفری بین‌المللی بدون توجه به بیانیه اتحادیه آفریقا، در تاریخ ۱۲ جولای ۲۰۱۰ دومین حکم دستگیری عمرالبشیر را به ۳ اتهام نسل‌کشی صادر کرد.^۳ اتحادیه آفریقا در ۱۶ جولای ۲۰۱۰ در پاسخ به حکم مذکور بیانیه‌ای را صادر و در آن به ابراز نگرانی‌های خود از این اقدام دیوان کیفری بین‌المللی پرداخت.^۴ اتحادیه آفریقا در این بیانیه اعلام داشت؛ حکم دستگیری جدید عمرالبشیر در مقطعی از زمان صادر شده است که برای سودان در حال تبدیل به سودان امن‌تر و دموکراتیک‌تر، خطرناک است. بنابراین ضروری است که هرچه سریع‌تر، تعقیب عمرالبشیر از سوی شورای امنیت متوقف شود (Barnes, 2011: 1608). لیکن دیوان کیفری بین‌المللی نه تنها به این درخواست توجه نکرد، بلکه در تاریخ ۲۱ جولای ۲۰۱۰ از دولت سودان و دولت‌های عضو و غیرعضو اساسنامه، درخواست کرد که برای دستگیری و تحویل عمرالبشیر با دیوان کیفری بین‌المللی همکاری کنند (Prosecutor V. Al-Bashir, 21 July 2010).

در این نوشتار، تلاش می‌شود رویکرد اتحادیه آفریقا در الزام دولت‌های عضو خود جهت

۱. ر.ک. شریعت باقری، ۱۳۹۰.

2. Africa Union, 8 July 2009.

3. Prosecutor V. Al-Bashir, 12 July 2010.

4. African Union, 16 July 2010.

عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی، واکنش دیوان کیفری بین‌المللی در قبال آن و نقد این دو رویکرد با توجه به مفاد اساسنامه رُم در اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی بر پرونده عمرالبشیر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد تا تصویر روشنی از جایگاه حقوقی رویکرد اتحادیه آفریقا و دیوان کیفری بین‌المللی در دستگیری عمرالبشیر و رسیدگی به جنایات وی به جامعه حقوقی ارائه شود.

۲. تنش اتحادیه آفریقا و دیوان کیفری بین‌المللی

تنش میان دیوان کیفری بین‌المللی و اتحادیه آفریقا در رابطه با کیفرخواست عمرالبشیر، از زمانی شدت گرفت که تحقیقات دادستان، پس از ارجاع وضعیت دارفور از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، منتهی به صدور حکم جلب عمرالبشیر رئیس‌جمهور در حال خدمت سودان شد. شورای امنیت و صلح اتحادیه آفریقا قبل از صدور حکم دستگیری عمرالبشیر، ناخرسندی خود را از انجام تحقیقات علیه عمرالبشیر ابراز و این حکم را عامل بازدارنده و برهم‌زننده تلاش‌ها به منظور توسعه صلح پایدار در این منطقه معرفی کرده بودند.^۱ اتحادیه آفریقا در این بیانیه از شورای امنیت سازمان ملل تقاضا کرده بود که با استفاده از اختیارات حاصل از ماده ۱۶ اساسنامه برای معلق ساختن پرونده عمرالبشیر تلاش کند. لیکن دیوان کیفری بین‌المللی بدون توجه به این شرایط، از دولت‌های عضو اساسنامه برای دستگیری و تحویل عمرالبشیر تقاضای همکاری کرد.^۲ تقاضای دیوان کیفری بین‌المللی برای همکاری به استناد ماده (۱) ۸۹ اساسنامه بود که دولت‌های عضو دیوان را متعهد ساخته است با دیوان کیفری بین‌المللی در دستگیری و تحویل افراد مشمول حکم دستگیری همکاری نمایند.

این رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی، منجر به صدور بیانیه‌ای دیگر از سوی اتحادیه آفریقا خطاب به دولت‌های عضو بر عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی شد (African Union, 3 July 2009, para. 10). دیوان کیفری بین‌المللی نیز در قبال این موضع‌گیری از مجمع عمومی دولت‌های عضو دیوان برای رفع این تنش تقاضای کمک کرد.^۳ اتحادیه آفریقا در بیانیه‌های

1. African Union, 21 July 2008, para. 10.

2. Prosecutor V. Al-Bashir, 6 Mar. 2009 and also; Prosecutor V. Al-Bashir, 12 July 2010.

3. ICC Kampala Declaration, 1 June 2010, and also; ICC Kampala Declaration, 8 June 2010, and also; ICC Resolution, 20 Dec. 2011, and also; ICC Resolution, 21 Dec. 2011.

متفاوت از دولت‌های عضو خود درخواست کرد که با توجه به عدم همکاری شورای امنیت در تعلیق پرونده عمرالبشیر، لازم است که آنها نیز تحت شرایط ماده ۹۸ اساسنامه با دیوان کیفری بین‌المللی در دستگیری و تحویل عمرالبشیر به دیوان کیفری بین‌المللی همکاری نکنند. این موضع گیری اتحادیه آفریقا در ۴ بیانیه دیگر وی در یک دوره ی زمانی از تاریخ ۲۷ جولای ۲۰۱۰ تا ۳۰ ژانویه ۲۰۱۲ نیز تکرار شد.^۱ اتحادیه آفریقا در این بیانیه‌ها، با اتکا به ماده (۱) ۹۸ اساسنامه به مقررات حقوق بین‌الملل عرفی در رابطه با حفظ مصونیت مقامات دولتی استناد می‌کرد که دولت‌های عضو اتحادیه را از همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی بازمی‌دارد. ماده (۱) ۹۸ اساسنامه مقرر می‌کند: «دیوان نمی‌تواند درخواستی برای تحویل یا همکاری بنماید که دولت مورد درخواست را مجبور سازد که برخلاف تعهدات وی مطابق حقوق بین‌الملل در مورد مصونیت سیاسی یا دیپلماتیک اشخاص و اموال دولت ثالث عمل کند، مگر اینکه دیوان ابتدا بتواند همکاری دولت ثالث را به منظور صرف نظر کردن از مصونیت آن فرد جلب کند».^۲

این موضع گیری در حالی بود که مصونیت عمرالبشیر به موجب ماده ۲۷ اساسنامه از اساس منتفی است (مولایی و صالحی، ۱۳۹۵). ماده (۱) ۲۷ اساسنامه مقرر می‌کند: «سمت رسمی مانند رئیس دولت یا حکومت، عضو حکومت یا مجلس، نماینده مردم یا نماینده یک دولت به هیچ وجه مانع از ایجاد مسئولیت کیفری به موجب مقررات این اساسنامه نیست». علاوه بر این، ماده (۲) ۲۷ اساسنامه نیز به نفی مصونیت‌ها یا قواعد دادرسی خاص در حقوق ملی یا بین‌المللی پرداخته است و وجود آنها را مانعی برای اعمال صلاحیت خود بر اشخاص مذکور تشخیص نداده است (صالحی، ۱۳۹۴: ۸۶). با این وجود، ماده ۹۸ اساسنامه مسأله را کمی پیچیده کرده است. ماده (۱) ۹۸ اساسنامه تصریح کرده است؛ دیوان نمی‌تواند درخواست دستگیری و تحویل عمرالبشیر را بنماید تا بر این اساس دولت‌های عضو اساسنامه مجبور باشند برخلاف تعهدات خود در آموزه‌های حقوق بین‌الملل در رابطه با مصونیت سیاسی یا دیپلماتیک اشخاص و اموال دولت سودان عمل کنند، مگر اینکه دیوان ابتدا بتواند همکاری دولت سودان را به منظور صرف نظر کردن از مصونیت عمرالبشیر جلب کند.

از این رو به نظر می‌رسد که شعبه مقدماتی در این شرایط، دستگیری و تحویل عمرالبشیر را از

1. African Union, 27 July 2010, and also; African Union, 30-31 Jan. 2011, and also; African Union, 30 June-1 July 2011, and also; African Union, 29-30 Jan. 2012.

۲. ر.ک. محمدنسل، ۱۳۹۱.

دولت‌های عضو اساسنامه، بدون توجه به الزامات مقرر در ماده ۹۸ اساسنامه تقاضا کرده است. شعبه مقدماتی باید قبل از صدور حکم دستگیری و تحویل عمرالبشیر توسط دولت‌های عضو و اعضای شورای امنیت، در بکارگیری ماده ۹۸ اساسنامه و نحوه ارتباط آن با ماده ۲۷ اساسنامه تأمل کند (Akande, 2009: 333). شعبه مقدماتی موظف است ابتدا از مفاد ماده ۹۸ اساسنامه دریابد که نمی‌تواند از دولت‌های دیگر درخواست کند در رابطه با مصونیت عمرالبشیر، برخلاف تعهدات بین‌المللی خود عمل کنند. لذا از این منظر میان مواد ۲۷ و ۹۸ اساسنامه تعارض جدی وجود دارد. به نظر می‌رسد که مقررات این مواد با یکدیگر همسو نیستند. با این وجود، یک روش ساده برای رفع تعارض میان این مواد وجود دارد. در ماده ۲۷ اساسنامه، اصل بر نفی مصونیت باشد و در ماده ۹۸ اساسنامه، اصل بر حفظ مصونیت باشد. دیوان کیفری بین‌المللی در ماده ۲۷ اساسنامه مطلقاً به نفی مصونیت پردازد، در حالی که دولت‌ها بر اساس ماده ۹۸ اساسنامه و دیگر معاهدات بین‌المللی مکلف به رعایت مصونیت عمرالبشیر باشند.

در این شرایط دولت‌ها فقط با حکم دیوان کیفری بین‌المللی و در پاسخ به درخواست دستگیری و تحویل متهم از سوی دیوان کیفری بین‌المللی مکلف به نادیده گرفتن این مصونیت هستند (Akande, 2004: 419). دیوان کیفری بین‌المللی برای دستگیری عمرالبشیر مستقل نیست و به ناچار وابسته به همکاری دولت‌های عضو است. مقامات ملی دولت‌های عضو اساسنامه باید دستورات دیوان کیفری بین‌المللی را بر دستگیری و تحویل عمرالبشیر به اجرا بگذارند. دولت‌ها باید صلاحیت داشته باشند به نفی مصونیت عمرالبشیر پردازند، او را دستگیر نمایند و تحویل دیوان کیفری بین‌المللی دهند. اگر دولت‌ها با عدم مصونیت عمرالبشیر مواجه شوند، دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌تواند صلاحیت خود را بر عمرالبشیر اعمال کند. از این منظر دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌تواند به دستگیری افراد اقدام کند. این افراد یا باید توسط دولت‌های متبوع خود دستگیر شوند و یا مشروط به صرف نظر از مصونیت اعطایی به آنها از سوی دولت‌های متبوع به نحو داوطلبانه به دیوان کیفری بین‌المللی معرفی شوند (Gardner, 2008: 159). ولی اشکال در این است که این دولت‌ها نمی‌توانند خود را متقاعد سازند که از مصونیت اعطایی به موجب قانون داخلی یا تعهدات بین‌المللی به اتباع خود صرف نظر کنند. در این شرایط ماده ۲۷ اساسنامه نشان‌دهنده الزام دولت‌ها بر زوال مصونیت اتباع خود در سطح ملی است. بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه اشاره می‌کند؛ دیوان کیفری به موجب مصونیت ناشی از حقوق بین‌الملل و یا مصونیت ناشی از حقوق

ملی، از اعمال صلاحیتش منع نمی‌شود. این موضع‌گیری طبیعی است. چراکه دیوان کیفری بین‌المللی مخاطب حقوق ملی نیست. براین اساس مقررات داخلی نمی‌توانند موجب سلب صلاحیت از دیوان کیفری بین‌المللی شوند. کما اینکه ماده ۲۷ اساسنامه نه تنها نسبت به متهم مخاطب صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی کاربرد دارد، بلکه سلب مصونیت در سطح ملی را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد.

اما دولت چاد که یکی از دولت‌های عضو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است، ریسک عدم همکاری خود با دیوان کیفری بین‌المللی را بر اساس بیانیه اتحادیه آفریقا برعهده می‌گیرد. قبول ریسک عدم همکاری مشروط به امضای قرارداد صلح، با دولت سودان برای متوقف کردن حمایت از شورشیان دو دولت چاد و سودان از طرف دولت‌های مقابل خود مطرح می‌شود. این توافقنامه میان دو کشور چاد و سودان به امضا می‌رسد و به موجب آن اولین بازدید عمرالبشیر از یک کشور عضو دیوان کیفری بین‌المللی پس از صدور دومین حکم جلب وی صورت می‌گیرد. صدور حکم جلب دوم عمرالبشیر مصادف با بازدید عمرالبشیر از کشور چاد شده بود. با این وجود دولت چاد دعوت‌نامه خود را برای پذیرش عمرالبشیر مسترد نکرد بود. لذا عمرالبشیر در تاریخ ۲۱ جولای ۲۰۱۰ همزمان با درخواست جدید دیوان کیفری بین‌المللی از دولت‌های عضو اساسنامه برای همکاری در دستگیری و تحویل وی وارد سرزمین چاد می‌شود (Hamilton, 2010). این اولین مرتبه ای است که یک رئیس‌جمهور تحت تعقیب دیوان کیفری بین‌المللی خطر احتمال دستگیری خود را نادیده می‌گیرد و وارد کشوری می‌شود که عضو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است. در ایام اقامت عمرالبشیر در جمهوری چاد، در حالی که اتحادیه آفریقا از بهبود روابط میان این دو کشور ابراز خشنودی می‌کند، دیوان کیفری بین‌المللی، اتحادیه اروپا و سازمان‌هایی از جمله؛ دیده‌بان حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل از جمهوری چاد درخواست می‌کنند که به دستگیری عمرالبشیر اقدام کند (Soares, 2010: 22). لیکن وزیر امور خارجه چاد با اذعان به وظیفه خود در اطاعت از مقررات اساسنامه اعلام می‌کند که اولویت جمهوری چاد «حفظ صلح و ثبات سودان» است (Clarke, 2010: 9).

عمرالبشیر تقریباً یک ماه پس از بازدید از جمهوری چاد در تاریخ ۲۸ آگوست ۲۰۱۰ به کنیا سفر می‌کند (Borger, 28 Oct. 2010). دولت کنیا نیز همانند جمهوری چاد عضو اساسنامه است.

دولت کنیا عمرالبشیر را برای شرکت در مراسم امضا قانون اساسی جدید کنیا به این کشور دعوت کرد. در این شرایط که دیوان کیفری بین‌المللی از دولت کنیا خواسته است به دستگیری عمرالبشیر اقدام کند، ریس جمهور دولت کنیا اعلام می‌کند: «برای دولت کنیا ممکن نیست که عمرالبشیر را دستگیر کند، چراکه این اقدام برای حفظ صلح و ثبات سودان خطرناک است» (Nairobi, 2010). صرف نظر از این، دولت کنیا به عنوان عضو اتحادیه آفریقا موظف به اجرای دستورات اتحادیه آفریقا در عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی در مشارکت برای دستگیری و تحویل عمرالبشیر است

دولت کنیا مجدداً از عمرالبشیر برای شرکت در اجلاس توسعه روابط میان کشورهای آفریقا دعوت بعمل می‌آورد.^۱ دیوان کیفری بین‌المللی متعاقب این دعوت، از دولت چاد اعلام موانع بازدارنده اجرای درخواست وی برای دستگیری و تحویل عمرالبشیر را تقاضا می‌کند. لیکن دولت کنیا در قبال درخواست جدید دیوان کیفری بین‌المللی اعلام می‌کند که اجلاس توسعه روابط میان کشورهای آفریقایی لغو شده است. بر این اساس عمرالبشیر به این کشور سفر نمی‌کند.^۲ دیوان کیفری بین‌المللی در اعتراض به عدم همکاری دولت چاد در دستگیری و تحویل عمرالبشیر قرار مورخ ۲۷ آگوست ۲۰۱۰ را صادر می‌کند. دیوان کیفری بین‌المللی در این قرار با اعلام نگرانی از عدم اجرای دستورات وی در دستگیری و تحویل عمرالبشیر، تصمیم می‌گیرد که موضوع عدم همکاری دولت چاد را به شورای امنیت و مجمع عمومی دولت‌های عضو گزارش دهد تا اینکه آنها راجع به اقدامات لازم در این زمینه تصمیم‌گیری نمایند. بر همین منوال دیوان کیفری بین‌المللی در همان روز قرار دیگری را در رابطه با عدم همکاری دولت کنیا نیز صادر می‌کند.^۳

اتحادیه آفریقا در برابر این آرا موضع‌گیری و نگرانی‌های خود را از صدور این قرارها ابراز می‌کند.^۴ اتحادیه آفریقا در بیانیه اصداری اظهار می‌دارد: این اتحادیه حداکثر تلاش خود را برای

1. Prosecutor V. Al-Bashir, 22 Oct. 2010.

2. Prosecutor V. Al-Bashir, 29 Oct. 2010.

3. Prosecutor V. Al-Bashir, 27 Aug. 2010.

4. African Union, 29 Aug. 2010.

متوقف کردن پرونده عمرالبشیر مطابق مقررات اساسنامه (ر.ک. ماده ۱۶ اساسنامه) انجام داده است. با توجه به عدم موفقیت اتحادیه آفریقا انتظار می‌رود، دولت‌های چاد و کنیا که از کشورهای همسایه سودان هستند، در این شرایط تا حدی که می‌توانند در توسعه صلح و تشویق دولت و رئیس‌جمهور سودان در این فرایند کمک کنند. اتحادیه آفریقا ابتدائاً با استناد به ماده (۲) ۲۳ قانون تأسیس اتحادیه آفریقا، دولت‌های عضو اتحادیه آفریقا را مکلف به اطاعت از تصمیمات اتحادیه آفریقا می‌داند. سپس با استناد به ماده ۹۸ اساسنامه راجع به مصونیت‌ها، دولت‌های عضو اتحادیه را مکلف به عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی می‌داند (Ssenyonjo, 2013: 392). اتحادیه آفریقا استدلال می‌کند: ماده (۱) ۹۸ اساسنامه قابلیت نادیده انگاشتن مصونیت اعطایی از سوی حقوق بین‌الملل به مقامات رسمی دولت‌های غیرعضو اساسنامه را ندارد.

علاوه بر دولت‌های چاد و کنیا، در این شرایط دولت‌های مالاوی و جیبوتی نیز در اطاعت کامل از تصمیم اتحادیه آفریقا در رابطه با دستگیری و تحویل عمرالبشیر با دیوان کیفری بین‌المللی همکاری نمی‌کنند. در این شرایط که انتظار می‌رود موضع‌گیری صریح دیوان کیفری بین‌المللی در قبال عدم همکاری دولت‌های چاد و کنیا در دستگیری و تحویل عمرالبشیر بازدارنده باشد و دولت‌های دیگر را از پذیرش عمرالبشیر منع کند (Barigaba, 14 June 2010)، عمرالبشیر یکبار دیگر در تاریخ ۸ می ۲۰۱۱ در مراسم آغاز دوره ریاست جمهوری جیبوتی شرکت می‌کند. دیوان کیفری بین‌المللی در قبال عدم همکاری دولت جیبوتی، این وضعیت را جهت تصمیم‌گیری به شورای امنیت سازمان ملل و مجمع عمومی دولت‌های عضو اساسنامه گزارش می‌دهد.^۱ عمرالبشیر بدون توجه به این وضعیت در تاریخ ۷ آگوست همان سال نیز مجدداً در مراسم آغاز دوره ریاست جمهوری دولت چاد شرکت می‌کند. دیوان کیفری بین‌المللی در تاریخ ۱۸ آگوست ۲۰۱۱ از دولت چاد توضیح می‌خواهد که چرا عمرالبشیر را در مرتبه دوم حضور وی در این کشور، دستگیر نکرده است.^۲ عمرالبشیر در اکتبر ۲۰۱۱ نیز در اجلاس مشترک آفریقای جنوبی و شرقی در کشور مالاوی شرکت می‌کند. این بازدیدها در حالی صورت می‌گیرد که اتحادیه آفریقا در پاسخ به واکنش‌های دیوان کیفری بین‌المللی در قبال عملکرد کشورهای

1. Prosecutor V. Al-Bashir, 12 May 2011.

2. Prosecutor V. Al-Bashir, 18 Aug. 2011.

مذکور در عدم همکاری در دستگیری و تحویل عمرالبشیر، در سه بیانیه متفاوت اظهار می‌دارد که پذیرش عمرالبشیر در کشور و عدم تعرض به مصونیت وی از سوی دولت‌های مالاوی، جیبوتی، چاد و کنیا صرفاً؛ ۱- اجرای تصمیمات مجمع عمومی اتحادیه در عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی در دستگیری و تحویل عمرالبشیر رئیس‌جمهور سودان؛ ۲- اقدامی در جهت حفظ صلح و ثبات در منطقه و ۳- اقدامی هماهنگ با مقررات ماده ۲۳ قانون تأسیس اتحادیه آفریقا و ماده ۹۸ اساسنامه است.

۳. واکنش دیوان کیفری در قبال عدم همکاری دولت‌های عضو اتحادیه آفریقا و نقد آن

دیوان کیفری بین‌المللی در راستای تحقق عدالت کیفری به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از هیچ تلاشی در چارچوب وظایف محوله فروگذاری نمی‌کند. اگرچه برخی معتقدند که اقدامات دیوان کیفری در راستای عدالت کیفری با صلح و امنیت بین‌المللی منافات دارد (زمانی، ۱۳۹۳: ۷). در عین حال که بعد از ارجاع پرونده به دیوان کیفری هیچ راهکار حقوقی برای ممانعت از رسیدگی و صدور حکم در دیوان کیفری وجود ندارد؛ لیکن در همین حال اساسنامه دیوان راه توسل به شیوه‌های غیرحقوقی و تعلیق و توقف موقت رسیدگی در پرونده‌های ارجاعی از طرف شورای امنیت به دیوان را باز گذاشته است (رمضانی قوام‌آبادی و بهمنی، ۱۳۹۶: ۱۳). لیکن سازمان ملل متحد و دول عضو دائم شورای امنیت، خواهان انجام وظیفه حقوقی دیوان کیفری در برخورد با مسأله عمرالبشیر هستند و مانعی حقوقی یا غیرحقوقی بر سر راه دیوان کیفری قرار نمی‌دهند. تحت این شرایط دیوان کیفری بین‌المللی، موضوع تردد عمرالبشیر به کشور جیبوتی را به شورای امنیت سازمان ملل و مجمع عمومی دولت عضو اساسنامه اطلاع می‌دهد تا اینکه آنها تصمیم مقتضی در رابطه با واکنش احتمالی با عدم همکاری دولت جیبوتی را اتخاذ نمایند، در واکنش به عدم همکاری دولت‌های چاد و مالاوی در دستگیری و تحویل عمرالبشیر دو قرار دیگر نیز صادر می‌کند. شعبه مقدماتی در این قرارها دولت‌های چاد و مالاوی را ناقض تعهداتشان در همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی معرفی می‌کند. دیوان کیفری بین‌المللی در قبال عدم همکاری دولت‌های چاد و مالاوی به همین حد اکتفا نمی‌کند و در تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ تلاش می‌کند که بر اساس مواد ۸۶ (۷) و ۸۷ و ۸۹ اساسنامه از دو جهت دیگر نیز آنها را مورد خطاب قرار دهد که چرا؛ ۱- از انجام تعهد مشورت

با دیوان کیفری بین‌المللی راجع به تعیین تکلیف دیوان کیفری بین‌المللی در وضعیت مصونیت عمرالبشیر و ۲- از همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی در دستگیری عمرالبشیر قصور کرده‌اند، تا حدی که این موضوع باعث شده است، دیوان کیفری بین‌المللی از اعمال صلاحیت خود، به موجب مقررات اساسنامه بر پرونده عمرالبشیر بازداشته شود.^۱

دیوان کیفری بین‌المللی، ضمن اشاره به مطلع شدن هر دو دولت چاد و مالاوی از درخواست خود مبنی بر همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی، تصریح می‌کند که دولت چاد و مالاوی نه تنها به تقاضای همکاری دیوان کیفری بین‌المللی هیچ پاسخی نداده‌اند، بلکه به صراحت از آن سرپیچی کرده‌اند. دیوان کیفری بین‌المللی تأکید می‌کند که این دولت‌ها صرف‌نظر از عدم اعتباربخشی به هر نوع استدلال در رابطه با ماده (۱) ۹۸ اساسنامه یا تقاضاهای اتحادیه آفریقا، رسماً تعهدات خویش در زمینه همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی را نقض کرده‌اند. دیوان کیفری بین‌المللی سپس توجیه عملکرد این دولت‌ها را در دو دسته خلاصه می‌کند: اول اینکه؛ دولت‌های مذکور بر مصونیت عمرالبشیر از دستگیری بر اساس اصول حقوق بین‌الملل متکی هستند. دوم اینکه؛ این دولت‌ها از اعضا اتحادیه آفریقا هستند و خویشان را بر پیروی از دستورات این اتحادیه بر عدم اجرای حکم دستگیری عمرالبشیر مقید می‌دانند.

دیوان کیفری بین‌المللی، عملکرد دولت‌های مورد درخواست را برای حفظ مصونیت عمرالبشیر به استناد اصول حقوق بین‌الملل و ماده (۱) ۹۸ اساسنامه به باد انتقاد می‌گیرد و با تکیه بر قرائت خود از ماده (۱) ۹۸ اساسنامه مبنای استناد این دولت‌ها را در عدم تبعیت از دستورات غیرالزام‌آور می‌شناسد. از این رو، دیوان کیفری بین‌المللی استدلال می‌کند که دولت‌های مخاطب دستورات وی حق ندارند بر اساس ماده (۱) ۹۸ اساسنامه، خود را فارغ از تعهد همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی بدانند، با این توجیه که لازمه همکاری آنها با دیوان کیفری بین‌المللی به معنای نقض مصونیت عمرالبشیر، مطابق آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی است. این موضع‌گیری دیوان کیفری بین‌المللی تازگی ندارد، چراکه دیوان کیفری بین‌المللی قبلاً در زمان صدور حکم دستگیری عمرالبشیر به استناد ماده ۲۷ اساسنامه تصریح کرده بود که؛ «وضعیت فعلی عمرالبشیر به‌عنوان رئیس دولت غیرعضو اساسنامه هیچ تأثیری بر صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی بر

1. Prosecutor V. Al-Bashir, 13 Dec. 2011, and also; Prosecutor V. Al-Bashir, 12 Dec. 2011.

پرونده وی ندارد.^۱ بر همین مبنا دیوان کیفری بین‌المللی یک بار دیگر تاکید می‌کند استدلال دولت‌های مخاطب را به هیچ‌وجه قبول ندارد: مبنی بر اینکه رئیس دولت غیرعضو اساسنامه بر اساس بایسته‌های حقوق بین‌الملل از تعقیب در دادگاه‌های بین‌الملل مصون است.

دیوان کیفری بین‌المللی ضمن رد اعطای هرگونه مصونیت برای رئیس دولت به موجب آموزه‌های حقوق بین‌الملل در دادرسی دادگاه بین‌المللی تصدیق می‌کند که میان مقررات ماده (۲) ۲۷ و (۱) ۹۸ اساسنامه تنش ذاتی وجود دارد. با این وجود درخواست اتحادیه آفریقا را به ۴ دلیل نمی‌پذیرد؛ ۱- مصونیت رئیس دولت در دادگاه‌های بین‌المللی مردود است؛ ۲- در دادگاه‌های بین‌المللی موقت، پرونده‌های زیادی علیه روسای دولت‌ها وجود دارد؛ ۳- به استناد ماده (۲) ۲۷ اساسنامه تعداد ۱۲۰ دولت عضو اساسنامه، ادعای مصونیت روسای دولت‌ها را انکار کرده‌اند و ۴- دولت‌های متقاضی و عضو اتحادیه، محتویات اساسنامه را در قوانین داخلی تصویب کرده‌اند و استناد آنها به تفسیر از ماده (۱) ۹۸ اساسنامه در توجیه عدم همکاری در دستگیری و تحویل عمرالبشیر باعث می‌شود دیوان کیفری بین‌المللی در انجام وظایف خود ناتوان شود و سیستم عدالت کیفری نیز در مقابل اساسنامه قرار گیرد.^۲ با این اوصاف اتحادیه آفریقا حق ندارد در توجیه عدم همکاری خود با دیوان کیفری بین‌المللی، به مفاد ماده (۱) ۹۸ اساسنامه استناد کند.

دیوان کیفری بین‌المللی زمانی که کیفرخواستی را علیه یک فرد صادر می‌نماید، توقعات خود را برای همکاری دولت‌های عضو در این رابطه نیز اعلام می‌کند (ر.ک. ماده (۱) ۸۹ اساسنامه). این در حالی است که به موجب مقررات ماده ۹۸ اساسنامه، زمانی که از دولت‌های عضو درخواست همکاری در انجام تحقیقات یا تعقیب متهم می‌شود، ممکن است شرایط به نحوی رقم بخورد که دولت‌های مورد درخواست، با استناد به مصونیت متهم از همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی معذور شناخته شوند. چراکه بر اساس ماده (۱) ۹۸ اساسنامه، دولت‌های عضو اجازه ندارند در صورتی که تحت شرایط تعهدات یا قراردادهای بین‌المللی راجع به مصونیت دیپلماتیک یا دولتی؛ شخص یا اموال دولت ثالث، برخلاف تعهدات مندرج در اساسنامه قرار گرفته باشند به نقض آن تعهدات یا قراردادهای بپردازند، مگر اینکه قبل از آن، دولت متبوع از مصونیت شخص مورد دستگیری چشم‌پوشی کرده باشد. رئیس یک دولت بر اساس آموزه‌های حقوق بین‌المللی

1. Prosecutor V. Al-Bashir, 4 Mar. 2009, para. 41.

2. Prosecutor V. Al-Bashir, 12 Dec. 2011.

عرفی از مصونیت شخصی برخوردار است. ماده (۲) ۹۸ اساسنامه از دولت عضو دیوان کیفری بین‌المللی می‌خواهد که برای دستگیری رئیس دولت دارای مصونیت شخصی با دیوان کیفری بین‌المللی همکاری نکند. چرا که اگر دولت مشمول همکاری به قراردادهای بین‌الملل الزام‌آوری با دیگر دولت‌ها ملزم شده باشد، همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی بدون توجه به مصونیت‌های بین‌المللی، منجر به نقض آن قراردادها می‌شود.

در این شرایط، قرارهای صادره دیوان کیفری بین‌المللی در واکنش به عدم همکاری دولت‌های چاد و ملاوی، ناشی از تنش میان اتحادیه آفریقا و دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به موضوع اجرای حکم دستگیری عمرالبشیر است. دیوان کیفری بین‌المللی در این قرارها به موضع‌گیری اتحادیه آفریقا، در درخواست از دولت‌های عضو خود بر عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی و بررسی جوانب حقوقی آن می‌پردازد. در این قرارها مشخص می‌شود که از منظر دیوان کیفری بین‌المللی، مصونیت مصرح در حقوق بین‌الملل عرفی در پرونده عمرالبشیر کاربرد ندارد. چرا که از منظر دیوان کیفری بین‌المللی، حقوق بین‌الملل عرفی، یک استثنا را برای مصونیت رئیس دولت در دادگاه کیفری بین‌المللی در نظر گرفته است که آن هم مجوز دستگیری رئیس دولت برای ارتکاب جرایم بین‌المللی است. ضمن اینکه صرف درخواست دیوان کیفری بین‌المللی در همکاری دولت‌ها برای دستگیری به معنای نفی مصونیت است.

لیکن این استدلال شعبه مقدماتی خالی از اشکال نیست. ارزیابی شعبه مقدماتی از ماده ۹۸ اساسنامه، نفی مصونیت رئیس‌جمهور سودان است و به موجب ماده ۲۷ اساسنامه؛ خود را صالح به رسیدگی جرایم عمرالبشیر می‌داند، در حالی که اتحادیه آفریقا با استناد به ماده (۱) ۹۸ اساسنامه استدلال می‌کند که درخواست همکاری از دولت‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی، بدون توجه به تعهدات بین‌المللی این دولت‌ها نسبت به مصونیت عمرالبشیر صورت گرفته است. اگر درخواست دیوان کیفری بین‌المللی به معنای نقض مصونیت عمرالبشیر برخلاف ماده (۱) ۹۸ اساسنامه است، این تقاضا غیرقانونی است و هیچ دولتی موظف به همکاری به موجب تقاضای غیرقانونی نیست. البته دیوان کیفری بین‌المللی می‌توانست بدون اینکه به عدم همکاری دولت‌های چاد و ملاوی انتقاد کند، تنها از آنها ایراد بگیرد که چرا به موجب ماده ۹۷ اساسنامه؛ اقدامات لازم را در رابطه با درخواست دستگیری عمرالبشیر انجام نداده‌اند، تا سپس به استناد ماده (۲) ۱۱۹ اساسنامه به حل اشکالات احتمالی بپردازد و عدم همکاری آنها را پس از حل مشکل به چالش

بکشاند (Schabas, 2010: 1039).

اشاره دیوان کیفری بین‌المللی به پرونده‌های روسای دولت‌ها در سایر دادگاه‌های بین‌المللی موقت یا دیوان بین‌المللی دادگستری، برای مستند ساختن الزام دولت‌ها بر همکاری آنها با دیوان کیفری بین‌المللی در دستگیری عمرالبشیر نیز با اشکال مواجه است. چرا که این دسته از مستندات همگی مربوط به اعمال صلاحیت مراجع مذکور می‌باشد و هیچ اشاره‌ای به الزام همکاری دولت‌ها در دستگیری رئیس دولت برخوردار از مصونیت ندارد (Stephens, 2011: 1172). قضات دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده کنگو علیه بلژیک، هیچ اشاره‌ای به وظیفه دولت‌ها در دستگیری فرد مظنون به ارتکاب جرم ندارند. علاوه بر این اگرچه دیوان بین‌المللی دادگستری به ماده ۲۷ اساسنامه استناد کرده است، ولی هیچ اشاره‌ای به ماده (۱) ۹۸ اساسنامه نکرده است. به همین نحو دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، در پرونده میلیوسویچ یا دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده تیلور تنها به موضوع پاسخ به ایرادات متهم به مصونیت خود پرداخته‌اند. دیوان کیفری بین‌المللی در این شرایط تنها به استناد ماده ۲۷ اساسنامه و بدون توجه به مقررات ماده (۱) ۹۸ اساسنامه تاکید می‌کند، هیچ مصونیتی برای عمرالبشیر وجود ندارد. از این منظر دولت‌های مورد درخواست نباید به مقررات ماده (۱) ۹۸ اساسنامه استناد کنند، در حالی که استناد به ماده ۲۷ اساسنامه برای آنها کفایت می‌کند. این استدلال اشتباه است، چراکه موضوع ماده (۱) ۹۸ اساسنامه تا اندازه‌ای که به مصونیت پرداخته است، با ماده ۲۷ اساسنامه مرتبط است و در عین حال این اشتراک وجه هرگز به معنای یکی بودن این مواد نیست (Akande, 2004: 420). کما اینکه اتحادیه آفریقا نیز بر همین منوال اعتقاد دارد ماده ۲۷ اساسنامه؛ محدود به رابطه مظنون با دیوان کیفری بین‌المللی است و ماده ۹۸ اساسنامه به رابطه دیوان کیفری بین‌المللی با دولت‌های عضو اساسنامه مربوط است.

۴. نتیجه‌گیری

دولت‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی مکلف به همکاری در تحقیق و تعقیب پرونده‌های پیش روی دیوان کیفری بین‌المللی هستند. در این شرایط کلیه دولت‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی موظف هستند که در دستگیری و تحویل عمرالبشیر با دیوان کیفری بین‌المللی همکاری کنند. دولت‌های عضو اتحادیه آفریقا که عضو اساسنامه رم می‌باشند، نیز از این همکاری به دیوان

کیفری بین‌المللی مستثنی نیستند. اگر دولت‌های عضو از همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی خودداری کنند، دیوان کیفری بین‌المللی ابزار مناسبی برای برخورد و اصلاح رفتار آنها در اختیار ندارد. علاوه بر این مشخص نیست که از دولت‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی، برای عدم همکاری با این دیوان چه عذرهایی پذیرفته و چه عذرهایی مردود است. اگر دولت‌های عضو از همکاری در این زمینه خودداری کنند، دادگاه حداکثر می‌تواند موضوع را به مجمع دولت‌های عضو یا شورای امنیت حسب مورد ارجاع دهد.

با این وجود، دولت‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی حق ندارند که دیگر تعهدات خود از جمله عضویت در اتحادیه آفریقا را مستمسک عدم همکاری خود با دیوان کیفری بین‌المللی قرار دهند یا اینکه بنا به تفسیر خود از ماده ۹۸ اساسنامه، قائل به حفظ مصونیت متهم مدنظر دیوان کیفری بین‌المللی باشند و از به‌اجراء گذاشتن دستورات دیوان کیفری بین‌المللی در رابطه با آن شخص خودداری کنند. از یک طرف در صورتی که تفاسیر دولت‌های مختلف عضو دیوان کیفری بین‌المللی دارای وجهت باشد، جایگاه دیوان کیفری بین‌المللی ایجاد شده بر اساس معاهده مورد قبول اعضاء آن مخدوش است. چراکه دولت‌های عضو با عضویت در دیوان کیفری بین‌المللی بر اعتبار اساسنامه و دیوان کیفری بین‌المللی منطبق بر آن صحه گذاشته‌اند. پذیرفته نیست که در این شرایط دولت‌های عضو، هر یک بنا به تشخیص خود، نظرات قضایی دیوان کیفری بین‌المللی را قبول نداشته باشند و از همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی خودداری کنند. از طرف دیگر، اتحادیه آفریقا نیز حق ندارد در انجام وظایف دیوان کیفری بین‌المللی و همکاری اعضاء آن دخالت داشته باشد و مانع آنها شود.

تحت این شرایط به نظر می‌رسد که عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به عدم همکاری دولت‌های چاد و مالاوی عجولانه است. شاید بهتر این بود که دیوان کیفری بین‌المللی به موجب ماده ۹۷ اساسنامه از آنها بخواهد که چرا اقدامات لازم را در رابطه با درخواست دیوان کیفری بین‌المللی برای دستگیری عمرالبشیر انجام نداده‌اند، تا اینکه سپس بتواند به استناد ماده (۲) ۱۱۹ اساسنامه به حل اشکالات احتمالی دولت‌های چاد و مالاوی، یعنی اعتقاد آنها بر حفظ مصونیت عمرالبشیر به موجب ماده ۹۸ اساسنامه بپردازد. در این شرایط اگر آنها به عدم همکاری خود ادامه می‌دادند، می‌توانست عدم همکاری آنها را به چالش بکشاند. این در حالی است که دیوان کیفری بین‌المللی در همان ابتدای صدور حکم جلب اول عمرالبشیر اعلام کرده بود که عمرالبشیر هیچ

مصونیتی در دیوان کیفری بین‌المللی ندارد و این رویکرد مورد قبول اتحادیه آفریقا و اعضای وی قرار نگرفت. البته با این اوصاف به نظر می‌رسد فقدان ضمانت اجرای کافی در عدم همکاری دولت‌های عضو اساسنامه نیز مزید بر علت است. اگر اساسنامه ضمانت اجرای موثرتری از جمله؛ تعلیق عضویت دولت‌های خودداری‌کننده از همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی را در نظر می‌گرفت شاید این اتفاق هرگز نمی‌افتاد.

منابع

کتاب‌ها

- شریعت‌باقری، محمدجواد، (۱۳۹۰)، *اسناد دیوان کیفری بین‌المللی*، ج ۲، تهران، انتشارات جنگل.
- محمدنسل، غلامرضا، (۱۳۹۱)، *مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری*، ج ۲، تهران، انتشارات دادگستر.

مقاله‌ها

- رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین، منصور بهمنی، (۱۳۹۶)، «تحقق عدالت کیفری در آفریقا؛ موانع و راهکارها»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، شماره ۱.
- زمانی، قاسم، (۱۳۹۳) «تهدید به عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی و آینده مبهم عدالت کیفری در قاره سیاه»، *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، شماره ۲.
- صالحی، جواد، (۱۳۹۲)، «قطعنامه ۱۵۹۳ شورای امنیت در الزام دولت‌ها به همکاری یا دیوان کیفری بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس*، شماره ۱۶.
- صالحی، جواد، (۱۳۹۴)، «مصونیت نداشتن ریس جمهوری سودان در برابر دیوان کیفری بین‌المللی»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۳۰۲.
- مولایی، حمید، جواد صالحی (۱۳۹۵)، «مصونیت رئیس دولت در چارچوب الزامات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، قطعنامه شورای امنیت و عرف بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس*، شماره ۲۵.

Books

- Gardner, R, (2008), *Treaty Interpretation*, Oxford: OUP.
- Schabas, W, (2010), *the International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute*, OUP.

Articles

- Akande, D, (2004), "International Law Immunities and the International Criminal Court", *American Journal of International Law*, No. 98.
- Akande, D, (2009), "The Legal Nature of Security Council Referrals to the ICC and its Impact on Al Bashir's Immunities", *Journal of International Criminal Justice*, No. 7.
- Barnes, P. G, (2011), "the International Criminal Court's Ineffective

Enforcement Mechanisms: The Indictment of President Omar Al-Bashir”, *Fordham International Law Journal*, No. 34(6).

- Barigaba, J, (2010), “We’ll Get Bashir, Kony Soon, Says International Criminal Court”, *E. AFR. (Nairobi)*, Available at: <http://www.theeastafrican.co.ke/news/-/2558/937546/-/pdvbwoz/-/index.html>.

- Borger, J, (2010), “Court Censures Commonwealth Chief as Rift Deepens over War Crimes Suspects: Sharma ‘Questions Duty’ of States to Hand Over to ICC: Row Began over Kenya Refusal to Arrest Bashir”, *Guardian*, London.

- Clarke, J, (2010), “Chad Urged to Arrest Sudan’s President”, *Irish Times*.

- Hamilton, R, (2010), “Omar Al-Bashir, Fresh Off Press Crackdown in Sudan, Defies ICC in Visit to Chad”, *Christian Science Monitor*.

- Maweni, R, (2011), “Sudan’s President Omar Hassan Al-Bashir Indicted by the ICC; what’s Next”, *Citizens for Global Solutions*, Available at: <http://archive2.globalsolutions.org/issues/sudans-president-omar-hassan-al-bashir>.

- Nairobi, X. R, (2010), “Bashir Marks Landmark Day for Kenya”, *Guardian*, London.

- Soares, C, (2010), “Sudan’s Leader Defies Genocide Warrant with Trip to Old Enemy Chad”, *Independent*, London.

- Ssenyonjo, M, (2013), “the Rise of the African Union Opposition to the International Criminal Court’s Investigations and Prosecutions of African Leaders”, *International Criminal Law Review*, No. 13.

- Stephens, B, (2011), “Abusing the Authority of the State: Denying Foreign Official Immunity for Egregious Human Rights Abuses”, *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, No. 44.

Decisions, Reports and Declarations

- African Union, “The Chairperson of the Commission Expresses Deep Concern about the New Decision of the ICC Pre-Trial Chamber I on Sudan and Its Impact on the Ongoing Peace Processes in Sudan”, 16 July 2010.

- African Union, “Assembly Decision on the Meeting of States Parties to the Rome Statute of the International Criminal Court”, Assembly/AU/Dec.245 (XIII), 3 July 2009.

- African Union, “Assembly Decision on the Progress Report of the Commission on the Implementation of Decision Assembly/AU/Dec.270 (XIV) on the Second

Ministerial Meeting on the Rome Statute of the International Criminal Court”, Doc. Assembly/AU/10 (XV), Assembly/AU/Dec.296 (XV), 27 July 2010.

- African Union, “Assembly Decision on the Implementation of the Decisions on the International Criminal Court”, Doc. EX.CL/639 (XVIII), Assembly/AU/Dec.334 (XVI), 30-31 Jan 2011.

- African Union, “Assembly Decision on the Implementation of the Assembly Decisions on the International Criminal Court”, Doc. EX.CL/670 (XIX), Assembly/AU/Dec.366 (XVII), 30 June-1 July 2011.

- African Union, “Assembly Decision on the Progress Report of the Commission on the Implementation of the Assembly Decisions on the International Criminal Court”, Doc. EX.CL/710 (XX), Assembly/AU/Dec.397 (XVIII), 29-30 Jan 2012.

- Africa Union, “Assembly Decision on the Meeting of African States Parties to the Rome Statute of the International Criminal Court”, Doc. Assembly/AU/I3 (XIII), 8 July 2009.

- African Union, “Peace and Security Council”, Doc. Communiqué PSC/Min/Comm (CXLII), 21 July 2008.

- African Union, “Reaction on the Decision of the Pre-Trial Chamber of the ICC Informing the UN Security Council and the Assembly of the State Parties to the Rome Statute about the Presence of President Al-Bashir of the Sudan in the Territories of the Republic of Chad and the Republic of Kenya”, 29 Aug 2010.

- BBC News, (2008), “Vow to Pursue Sudan over ‘Crimes’”, Available at: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/africa/7639046.stm>.

- International Criminal Court, “Kampala Declaration”, Declaration RC/Decl.1, 1 June 2010.

- International Criminal Court, “Kampala Declaration”, Declaration RC/Decl.2., 8 June 2010.

- International Criminal Court, “Resolution on Cooperation”, ICC-ASP/10/Res.2, 20 Dec 2011.

- International Criminal Court, Resolution on the Strengthening of the International Criminal Court and the Assembly of States Parties”, ICC-ASP/10/Res.5, 21 Dec 2011.

- Prosecutor V. Al-Bashir, “Decision on the Prosecution’s Application for a Warrant of Arrest against Al-Bashir”, Case No. ICC-02/05-01/09, 4 Mar 2009.

- Prosecutor V. Al-Bashir, “Second Warrant of Arrest for Al-Bashir”, Case No. ICC-02/05-01/09, 12 July 2010.
- Prosecutor V. Al-Bashir, “Supplementary Request to All States Parties to the Rome Statute for the Arrest and Surrender of Al-Bashir”, Case No. ICC-02/05-01/09, 21 July, 2010.
- Prosecutor V. Al-Bashir, “Supplementary Request for the Arrest and Surrender of Al-Bashir to States that were United Nations Security Council Members on 4 March 2009 and are not States Parties to the Rome Statute”, Case No. ICC-02/05-01/09, 21 July 2010.
- Prosecutor V. Al-Bashir, “Supplementary Request to the Republic of the Sudan for the Arrest and Surrender of Al-Bashir”, Case No. ICC-02/05-01/09, 21 July, 2010.
- Prosecutor V. Al-Bashir, “Request to All States Parties to the Rome Statute for the Arrest and Surrender of Al-Bashir, Situation in Darfur”, Case No. ICC-02/05-01/09-7, 6 Mar 2009.
- Prosecutor V. Al-Bashir, “Supplementary Request to All States Parties to the Rome Statute for the Arrest and Surrender of Al-Bashir”, Case No. ICC-02/05-01/09-96, 12 July 2010.
- Prosecutor v. Al-Bashir, “Decision Informing the United Nations Security Council and the Assembly of the States Parties to the Rome Statute about President Al-Bashir’s Recent Visit to the Republic of Chad”, Case No. ICC-02/05-01/09, 27 Aug 2010.
- Prosecutor V. Al-Bashir, “Prosecution Notification of Possible Travel to a State Party in the Case of The Prosecutor v. Omar Al-Bashir”, Case No. ICC-02/05-01/09, 22 Oct 2010.
- Prosecutor V. Al-Bashir, “Transmission of the Reply from the Republic of Kenya”, Case No. ICC-02/05-01/09, 29 Oct 2010.
- Prosecutor V. Al-Bashir, “Decisions Informing the United Nations Security Council and the Assembly of the States Parties to the Rome Statute about Al-Bashir’s Recent Visit to: the Republic of Kenya”, Case No. ICC-02/05-01/09-107, 27 Aug 2010.
- Prosecutor V. Al-Bashir, Decision Informing the United Nations Security Council and the Assembly of States Parties to the Rome Statute about Omar Al-Bashir’s recent visit to Djibouti”, Case No. ICC-02/05-01/09, 12 May 2011.

- Prosecutor V. Al-Bashir, “Decision Requesting Observations about Al-Bashir's Recent Visit to the Republic of Chad”, Case No. ICC-02/05-01/09, 18 Aug 2011.

- Prosecutor V. Al-Bashir, “Decision Pursuant to Article 87(7) of the Rome Statute on the refusal of the Republic of Chad to Comply with the Cooperation Requests Issued by the Court with Respect to the Arrest and Surrender of Al-Bashir”, Case No. ICC-02/05-01/09-140, 13 Dec 2011.

- Prosecutor V. Al-Bashir, “Decision Pursuant to the Article 87(7) on the Failure of the Republic of Malawi to Comply with the Cooperation Requests Issued by the Court With Respect to the Arrest and Surrender of Al-Bashir”, Case No. ICC-02/05-01/09, 12 Dec 2011.